



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

بررسی تطبیقی غزل مولانا، حافظ و هوشنگ ابتهاج

علی محمدی*

ماندانا کمرخانی**

چکیده

با بررسی اشعار سایه به راحتی می‌توان الگوپذیری وی را از غزل شاعرانی چون حافظ و مولانا دریافت نمود. سایه از غزلسرایان نامی دوران معاصر است که به شکل سنتی و معاصر طبع آزمایی کرده و در هردو عرصه غزلی زلال و تاثیرگذار از خود برجای نهاده است. تاثیرپذیری سایه از غزل‌های مولانا و حافظ در دو بعد سبکی و عرفانی قابل بازجست است. وام‌گیری سایه از مولانا از جهت عرفان شاعرانه قابل اعتناست، وی نظریه‌های مبتنی بر کشف و شهود مولانا را حول: جهان‌شناسی، ماهیت عشق، مفهوم زندگی، تفسیر و تحلیل حیات جاودانه، اندیشه‌هایی درباره‌ی انسان کامل و بازتاب تجلی وحدت در عین کثرت یا بازتاب صفات جلالی و جمالی در نظام احسن را می‌توان دنبال کرد. و از جهت سبکی در سطح زبانی، یعنی واژگان، ترکیبات، کیفیت بهره از وزن و قافیه، عناصر موسیقایی زبان، اعم از موسیقی میانی و آوایی و وفور جفت‌های گردان، این اعتنای شاعرانه را محسوس می‌سازد. موسیقی حاصل از عناصر بدیع لفظی و مشابهت‌های واژگانی، رنگ و بوی مفاهیم و لحن کهنی که از نحو و محور همنشینی کلمات حاصل می‌شود، گونه‌های تازه و بی‌سابقه از انواع صوت، انواع وصف: وصف‌های تخیلی، نمادین و توصیفات واقعی، جلوه‌ی دیگر این تاثیرپذیری را به نمایش می‌گذارد. پس از مولانا سایه از حافظ متأثر بوده است، بیش از هرچیزی از نظر نحو شعری، تضمین و اقتباس، تعدیل مفاهیم و صلابت واژگان، موسیقی ملایم حاصل از کلمات و محور انتخابی در بیان مضامین شعری، بسامد بالای آذین‌هایی چون تناسب، تضاد، ایهام و تلمیح، کانون‌های اشتراک و تاثیرپذیری سایه از حافظ را تشکیل می‌دهد. از منظر اندیشه بیشتر انتقادهای اجتماعی و طعن و تذکارهای اخلاقی، آلام مردمی و آمال و عقاید شاعرانه سایه مشترکی را ایجاد نموده است. روش این جستار مبتنی بر نقد و تحلیل فکری و ادبی اشعار و توصیفی است که با بهره از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: مولانا، حافظ، ابتهاج، غزل. عرفان.

** استاد دانشگاه بوعلی همدان، گروه زبان و ادبیات فارسی. mohammadiali@yahoo.com

**دکتری زبان و ادبیات فارسی، mkamarkhani@yahoo.com